

به نام خدا

۱۳۶۸/۱۱/۲۸

سرکار خانم دکتر ستاره درخشش،
مجری محترم بخش فارسی تلویزیون صدای آمریکا

با سلام

بازگشت به تماس تلفنی سرکار و درخواست مصاحبه به مناسبت سالروز پیروزی انقلاب اسلامی ۱۳۵۷، ضمن اظهار تشکر به خاطر توجهی که نشان دادید، بدینوسیله توضیح می‌دهم که علت عدم پذیرش درخواستتان، به تصمیم شورای مرکزی نهضت آزادی ایران به عنوان اعتراض به سیاست‌ها و مشی کلی ناظر بر مواضع آن رسانه و عملکرد برخی همکاران جنابعالی باز می‌گردد.

همان‌طور که استحضار دارید، طی دو سال گذشته، فشار حاکمان تمامیت‌خواه ایران بر فعالان سیاسی و اجتماعی داخل کشور، از جمله حزب ما، به نحو بی‌سابقه‌ای شدت یافته است. تا آنجا که امسال حتی از برگزاری مراسم سنتی سالروز تأسیس نهضت آزادی ایران و سیزدهمین سالگرد درگذشت دبیر کل فقید آن شادروان مهندس مهدی بازرگان در حسینیه ارشاد جلوگیری شد. محدودیت‌های اطلاع‌رسانی نیز به شدت افزایش یافته است. در چنین شرایطی، شاید مصلحت ظاهری این بود که برای استفاده از هر امکان رسانه‌ای و از هر نوع ابزار اطلاع‌رسانی، از دعوت و درخواست شما استقبال می‌کردیم. اما مشی و باور سیاسی نهضت آزادی ایران در طول سالیان دراز فعالیت و مبارزه‌ی مستمر برای تحقق حقوق و آزادی‌های اساسی ملتمان و پاسداری از استقلال میهن عزیزمان، هرگز این نبوده است که از هر وسیله و امکانی برای دستیابی به هدفهایمان استفاده کرده، آن‌را توجیه کنیم.

متأسفانه شیوه‌ی اطلاع‌رسانی تلویزیون صدای آمریکا از محدوده‌ی تعاریف پذیرفته شده برای یک رسانه‌ی خبری خارج شده است. بنابر استانداردهای رایج اطلاع‌رسانی، شأن یک رسانه‌ی خبری، حفظ بی‌طرفی در انتقال و پخش مطالب و اخبار است که با رفتار رسانه‌ی ارگان یک حزب سیاسی - ایدئولوژیک تفاوت دارد.

در مقام پاسخ‌گویی ممکن است استدلال شود که " صدای آمریکا " رسانه‌ی دولت آمریکاست و با بودجه‌ی آن دولت، اداره می‌شود و سیاست‌های دولت آمریکا تلاشی در راستای پنهان‌سازی مخالفت و ضدیت خود با انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی ایران ندارد. و صدای آمریکا لاجرم رسانه‌ای است با اولویت‌های معین در راستای نظرات و

برنامه‌های دولت آمریکا و غیر از این هم نباید انتظار داشت. در پاسخ به این ایراد باید گفت که آیا دولت آمریکا علاوه بر خصومت با نظام جمهوری اسلامی ایران، اصراری دارد که سیاست‌های خود را در تعارض با باورهای عمومی و منافع ملی ملت شریف ایران نیز معرفی کند؟

نهضت آزادی ایران حداقل در دو محور زیر، سیاست‌گذاری حاکم بر دولت آمریکا و رسانه‌ی تلویزیون صدای آمریکا را در تعارض با منافع ملی ایران ارزیابی می‌کند:

نخست: اسلام‌ستیزی

مخالفت با سیاست‌ها و عملکرد مسئولان نظام جمهوری اسلامی ایران، یک مسأله و استفاده از امکانات رسانه‌ای و میدان دادن به کسانی که به باورها و اعتقادات میلیون‌ها ایرانی توهین می‌کنند، مسئله دیگری است. من هیچ‌گاه در شأن انسانی و در چارچوب باورهای دینی خود نمی‌یابم که درباره باورهای دینی شما و همکاریتان تفتیش کنم. بنابراین بدیهی‌ترین اصول مندرج در اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر، هر کس در انتخاب دین و راه و روش زندگی‌اش آزاد است، از سوی دیگر نیز، مبانی اندیشه‌ی دمکراتیک، ما را به پذیرش این اصل، متعهد می‌سازد که هیچ کس حق ندارد که به بهانه‌ی اختلافات فکری و سیاسی فردی، گروهی یا بین‌دولتی، به باورها و اعتقادات دیگران توهین روا دارد، مضافاً آن که کسانی که مورد توهین واقع می‌شوند، اکثریت مطلق جمعیت کشوری با سابقه‌ی تمدنی شش هزار ساله مانند ایران باشند. بنابراین، ایراد و اعتراض ما، تنها متوجه سیاست‌های اسلام‌ستیزانه‌ی "صدای آمریکا" نیست، بلکه در واقع به سیاست‌های اسلام‌ستیزانه‌ی دولت آمریکا است. البته در این جا مخاطب من مسئولان و مجریان تلویزیون صدای آمریکا هستند. باید توجه داشت که سیاست‌ها و برنامه‌های اسلام‌ستیزانه‌ی خارجی، عملاً به نفع گروه‌های، تمامیت‌خواه و محافظه‌کار حاکم در ایران تمام شده است و می‌شود. زیرا آنها که خود را متولی و مدافع دین خدا می‌دانند، از سیاست‌ها و عملکردهای دین‌ستیزانه رسانه‌های خارجی، برای توجیه رفتارهایشان نسبت به منتقدان داخلی بهره‌برداری می‌کنند. ما دامن زدن به اختلافات فرقه‌ای، مذهبی و قومی را در تعارض با منافع و مصالح ملی کشورمان ارزیابی می‌کنیم. خرد سیاسی و تجربه‌ی تاریخی حداقل یکصد سال گذشته‌ی این سرزمین، حکم می‌کند که تنها با تغییر حکومت‌ها فرآیند تحقق دمکراسی تقویت نمی‌شود و از این رو مخالفت و اعتراض ما به سیاست‌ها و عملکرد حاکمان جمهوری اسلامی ایران به این معنا یا با این هدف نیست که آنها با هر وسیله‌ی ممکن بروند و گروه دیگری بر سر کار بیاید و همین نوع کارها را انجام دهد. هدف ما تحقق حقوق و آزادی‌های اساسی ملتمان و حفظ استقلال کشورمان است که

اصیل‌ترین آرمان‌های انقلاب جنبش مشروطه و جنبش ملی شدن صنعت نفت ایران و انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ نیز بوده است.

دوم: عدم رعایت بی‌طرفی

نکته‌ی دوم این که، یک رسانه‌ی جمعی نباید در پخش اطلاعات و آرایه‌ی خدمات خبری به مخاطبانش، به ابزاری برای تسویه حساب‌های فردی و گروهی تبدیل شود. متأسفانه، در کارنامه‌ی برنامه‌سازان "صدای آمریکا" بارها، دیده شده است که آرا و مواضع سیاسی افرادی را علیه افراد و گروه‌های دیگر به طور یکسویه منتشر کرده است، بی‌آنکه بیان‌گر دفاعیات و یا اعلام نظرهای طرف مقابل باشند و یا حتی فرد مدعی را ملزم به آرایه‌ی سند و مدرک کنند. به عنوان نمونه، چندی پیش در "صدای آمریکا" گفته شد که مهندس بازرگان شخصاً دستور بستن دانشگاه‌ها را صادر کرده بود. این یک ادعای بی‌پایه است و هیچ حقیقتی در آن وجود ندارد. مصاحبه‌شونده‌ی محترم در آن برنامه، در زمره کسانی است که از آغاز نسبت به مهندس بازرگان و دولت موقت نظر موافق و مثبتی نداشت. البته، مخالف بازرگان بودن قابل درک است، ولی تحریف تاریخ چرا؟ این مدعی اگر واقعاً سندی برای اثبات ادعایش دارد، آن را منتشر کند.

نمونه‌ی دیگر پخش کردن ادعاها و ناسزاهای برخی از هواداران "پهلوی‌ها"، در مورد اعدام تیمسار رحیمی، فرماندار نظامی تهران در روزهای انقلاب، است. اگر صدای آمریکا، لازم دیده است، نظرات و مواضع مخدوش و ساختگی یک گروه سیاسی را پیرامون رویدادی تاریخی منتشر کند، بی‌طرفی و انصاف در اطلاع‌رسانی به مخاطبان حکم می‌کند که توضیحات کسی را که به ناحق مورد زشت‌ترین حملات و در واقع ترور شخصیت قرار گرفته است، برای شنوندگان و بینندگان برنامه‌هایش پخش کند و داوری نهایی را به صاحبان اصلی کشورمان، یعنی ملت ایران، واگذارد. تبدیل یک رسانه‌ی خبری به ابزار تسویه حساب‌های سیاسی شخصی یا گروهی، موجب بی‌اعتباری آن رسانه می‌شود. بدیهی است که برای رسانه‌ای با امکانات صدای آمریکا حتی چنان‌چه فرد مورد توهین حاضر به مصاحبه‌ی مستقیم با آن رسانه نباشد، به جهت روشن ساختن برخی ابهامات تاریخی، بسیار آسان است که به طور غیرمستقیم و البته منصفانه، پاسخ‌های فرد را از سایر منابع تهیه کند و در اختیار مخاطبان خود قرار دهد و در این موارد نیز تا کنون توضیحات فراوانی از سوی اینجانب آرایه شده است و همچنین اطلاعات زیادی از برخی اسناد و نشریات نهضت آزادی ایران قابل استخراج است.

پخش گزارش‌های ساختگی که پایه آنها بر دروغ و تهمت بنا نهاده شده باشد سودی به حال سازندگان و پخش‌کنندگان آنها ندارد. یک ضرب‌المثل فارسی می‌گوید:

" چراغ کذب را نبود فروغی ". اگر قرار بود که کسی یا گروهی با دروغ‌گویی، تهمت و پرونده‌سازی به جایی می‌رسید یا بقای قدرتی تضمین می‌شد، تاریخ شاهد فروپاشی و نابودی هیچ یک از نظام‌های استبدادی مدعی مردم محوری نبود. کسانی که خود را " پهلوی طلب " می‌دانند و نه " مشروطه‌خواه "، در قبال اعتراف محمدرضا شاه که خطاب به مردم ایران گفت " صدای انقلابتان را شنیدم "، چه پاسخی دارند. اما گویی این مدعیان هنوز آن را نشنیده‌اند و باور نکرده‌اند.

واقع امر آن است که حاکمیت جمهوری اسلامی ایران طی این سی سال گذشته در تحقق آرمان‌های انقلاب ۱۳۵۷ عملکرد موفقی نداشته است، اما این موضوع، اصل انقلاب را که مبتنی بر خواست ملی اکثریت مطلق ایرانیان و ناشی از مشکلات نظام پهلوی و بحران‌های عمیق سیاسی، اجتماعی و حتی اقتصادی آن دوران بود، نمی‌تواند زیر سؤال ببرد. این که حاکمان امروز چه می‌کنند، مسأله‌ای قابل طرح است اما این که از یاد ببریم و یا بی‌توجه باشیم که عملکرد حاکمیت در نظام سابق چه بود و حتی شاه برخلاف نص قانون اساسی مشروطه، حکومت می‌کرد و نه سلطنت و مجالس شورای ملی فرمایشی ایجاد می‌کرد، تشکیلات مخوف ساواک مستقیماً زیر نظر ایشان اداره می‌شد و هر صدای مخالفی را در هم می‌شکست و سرکوب می‌کرد و صدها معطل دیگر که بحث جداگانه‌ای را می‌طلبد، امروز نه تنها دردی از طرفداران نظام پهلوی را حل نمی‌کند که ملت ایران را از دستیابی به حقایق مسلم تاریخی باز می‌دارد و چنان‌چه تاریخ را چراغ راه آیندگان بدانیم، با لاپوشانی مشکلات گذشته و توجیه حاکمیتی که تا بدانجا فاسد بود و خودکامگی روا داشت که ملت ایران را یک‌پارچه، علیه خود برانگیخت، ملت ایران را در تاریکی و ناآگاهی‌ای قرار داده‌ایم که در تصمیم‌گیری‌های بعدی نیز نتواند درست گام بردارد و بدیهی است که این مثنی نیز برخلاف مصالح و منافع ملی ایران است.

چنین رفتارهایی از سوی " صدای آمریکا " ممکن است موجب جلب توجه برخی از افراد شود و دل خیلی از دردمندان و معترضان را به اصطلاح خنک کند، اما در دراز مدت محصولی در راستای منافع ملی، تقویت فرآیند دمکراسی و تحقق حقوق و آزادی‌های اساسی ملت ما نخواهد داشت.

در خاتمه، امیدوارم که سرکار به این تذکرات خیرخواهانه توجه بفرمایید و به همکارانتان نیز تجدید نظر در دیدگاه‌ها و روش‌ها را توصیه کنید.

با احترام
ابراهیم یزدی